

جامعه مطلوب در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مصطفی سلیمی فر^۱

سیدمحمد موسی مطلبی^۲

چکیده:

این مقاله در پی شناخت اهداف پیشرفت در نظام اسلامی است که بر اساس آیات کریمه قرآن و روایات اهل بیت معصومین (ع) و بررسی برخی منابع در این زمینه انجام شده است. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که اهداف ویژه‌ای در جامعه آرمانی پیشرفت وجود دارد که با برخی اهداف توسعه مرسوم متفاوت است. جامعه مورد نظر یا جامعه پیشرفته در این پژوهش جامعه طیبیه نامیده شده است. اهداف جامعه طیبیه را می‌توان در مواردی خلاصه کرد. علم و آگاهی از جمله این اهداف با حساب می‌آید که از مهمترین اهداف است. تأمین زندگی فردی، آسایش جسمانی، سکینه و آرامش از مهمترین اهداف جامعه طیبیه است که اهداف فردی به حساب می‌آید. عزت اجتماعی برای فرد در جامعه، آزادی عمومی برای تک تک افراد جامعه و امنیت برای همه افراد نیز از اهداف این جامعه الهی است. اخوت و تعاون در این جامعه برای پیوستگی اجتماعی و نیز همکاری و مشارکت کلیه احاد جامعه در خیرات دنیایی و آخرتی به منظور پایداری و پویایی پیشرفت از مواردی است که در اهداف جامعه طیبیه با اهمیت است. استقلال جامعه طیبیه به منظور عدم وابستگی در تصمیمات داخلی و احتمالاً دفع تعارضات با سایر جوامع متخاصم بسیار مهم در توسعه با حساب می‌آید.

کلید واژه: جامعه مطلوب، اهداف توسعه، پیشرفت و توسعه اسلامی

۱- مقدمه: جامعه مطلوب در اندیشه‌های مختلف

در معنایی کلی شهرهای آرمانی و سرزمین‌های خیالی را اتوپیا^۳ می‌گویند که تاکنون در تاریخ محقق نشده و تنها به صورت خیالی در اذهان وجود دارد و در نتیجه اغلب از نظر جامعه‌شناسان تنها ارزش ادبی دارند و در واقعیت نمی‌گنجند. (محمدی منفرد، بهروز، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

این واژه را برای نخستین بار توماس مور^۴، به کار برد. او در سال ۱۵۱۵ میلادی کتابی با عنوان "اتوپیا" نوشت که بسیار مورد پذیرش قرار گرفت. مور در این اثر، جامعه‌ای آرمانی را تصویر کرد که در آن همه چیز در جای خود بوده و هیچیک از معضلات جامعه بشری در آن راه ندارد. مور ویژگی‌های زیر را برای آرمان‌شهرش بیان می‌کند: نفی مالکیت خصوصی، نفی هویت فردی، داشتن قوانین محدود، ساده و محکم و قاطع، سادگی در همه مظاهر زندگی و پرهیز از تنوع‌طلبی، بهره‌مندی کامل از طبیعت و زندگی بر وفق آن، مشارکت عمومی، تکیه بر تعلیم و تربیت، نفی بی‌بندوباری جنسی، ترویج دینداری، همسویی دین و سیاست، رویکرد عملی به علوم، کنترل شدید افراد و محدودیت در رفت‌وآمد و نظارت بر همه شئون زندگی مردم، ادغام زندگی

^۱ استاد دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

smmmotalebi@yahoo.com

^۳ Utopia

^۴ Thomas More: 1478-1535

خصوصی و عمومی افراد، نابرابری زن و مرد در همه شئون و وجود نظام پدرسالاری. (اسلامی، سیدحسین؛ ۱۳۸۲، ص ۶-۷)

۱-۱- ریشه‌های تاریخی اندیشه اتوپایی

آرمان‌شهرگرایی و اتوپیا از مفاهیمی به‌شمار می‌روند که همواره با تولد اندیشه در آدمی همزاد است. در بسیاری از این آرمان‌شهرها مفاهیم مشترکی مانند عدالت‌محوری، قانون‌مداری و انسجام همگانی وجود دارد و فقط در خصوصیات و جزئیات است که آن‌ها باهم تفاوت می‌یابند. (محمدی منفرد، بهروز؛ پیشین، ص ۳۶). اتوپیاها در طول قرون بازناب‌دهنده نگرانی‌ها و نارضایتی‌هایی بودند، که خود زاینده همان نگرانی‌ها به‌شمار می‌رفتند. می‌توان گفت هرچه ذهن بشر بیشتر دستخوش خلل و اضطراب باشد، اتوپیاها بیشتر به وجود می‌آیند. (ولز، اچ.جی؛ یوتوپیاها، ۱۳۸۳، فخر یاسری ص ۱۳۹) و می‌توان گفت ردپای این تفکر از هزاران سال قبل در قالب دینی و اجتماعی و سیاسی موجود می‌باشد. (اصیل، حجت‌الله، ۱۳۷۱، ص ۱۸)

مدینه فاضله افلاطون

نخستین متفکری که اندیشه آرمانی را بر برهان عقلی استوار کرد، افلاطون بود. کتاب "جمهوری" او با بحث برای یافتن مفهوم درست عدالت آغاز می‌شود و در روندی منطقی و در جستجوی یافتن عدالت جامعه‌ای آرمانی را پی‌ریزی می‌کند. (اصیل، حجت‌الله؛ پیشین، ص ۱۶). او طی تفکرات خود به این نتیجه می‌رسد که عدالت هماهنگی و همگونی با نظم امور است. طبیعت را نباید به سلیقه خود در بیاوریم یا از آن خود کنیم بلکه به‌ویژه در سازماندهی شهر و نقش ویژه طبقات تشکیل دهنده آن باید با طبیعت هماهنگ شویم. (روویون، فردریک، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰)

افلاطون در توصیف جامعه کامل، بسیار تحت تأثیر نظریات مبتنی بر روان‌شناسی و زیست‌شناسی آن زمان قرار گرفته است. روان‌شناسی آن روز مبتنی بر این بود که هر انسانی مرکب از دو جزء است: بدن و نفس. به این ترتیب آنچه یک انسان را کامل و با فضیلت می‌سازد، کمال جسمانی و نفسانی در کنار هم می‌باشد، منظور افلاطون از کمال در اینجا همان "سلامت" است.

افلاطون فرض کرده بود که «اجتماع، واحد بزرگ‌تری از فرد است و مدینه فاضله جامعه‌ای است که در آن مانند فرد کامل، همه عناصر به نحو موزون و معتدل مشغول به کار باشند عدالت اجتماعی با برقراری طبقات انجام می‌شود به شرطی که هیچ طبقه در کار دیگر طبقه دخالت و تجاوز نکند. از نظر او حکومت، شایسته دانایان و خردمندان و حکیمان است و عدل آن است که اینان بر موضع خود قرار گیرند و به‌جای پول و زور، خرد بر جامعه حکومت داشته باشد. (شمشادی، خدیجه؛ ۱۳۸۵، ص ۱۰۷)

آرمان‌شهر فرانسیس بیکن

شهر آرمانی بیکن^۵ به نام بنسلیم^۶، کمتر از آرمان‌شهر مور خشک و سخت‌گیر و برابری‌جوست. نقطه اتکای آن حاکمیت بر طبیعت است که تابع نیازها و امیال انسانی است. حتی مرکز حساس این سرزمین، مدرسه است که کارش پژوهش‌های علمی و فنی است. (روویون، فردریک؛ پیشین، ص ۱۴۶) اتوپای

^۵ Francis Bacon (۱۵۶۱-۱۶۲۶)

^۶ Bensalem

فرانسیس بیکن دنیای جویندگان علم و دانش است، دنیایی که بی‌وقفه در آن علم و خرد رشد می‌کند و در ضمن گه‌گاه نیز قدرتمند می‌شود. منظور از علم، نقد دائمی، افزایش و انتشار دانش بیشتر و بسیار بیشتر از این است. شاید بهتر است به جای علم، بگوییم فلسفه و درحقیقت فلسفه علمی پادشاه می‌شود. (ولز، اچ.جی؛ پیشین، ص ۱۳۹). بیکن در اتوپیای خود با نام آتلانتیس جدید، جهانی را تصور کرد که علم، بنیان اصلی آن است و عالمان آن را اداره می‌کنند این جهان چنان که فرانسیس بیکن آن را وصف کرده‌است، جهان صلح و سلم، رفاه، بی‌دردی، بی‌مهری و بی‌هم‌زبانی است. (اردکانی ۱۳۸۶، ۱۴۶)^۷

دولت‌شهر جاودانی هارینگتون

جیمز هارینگتون^۸ آرمان‌شهری به نام جمهوری اوستانا^۹ را خلق کرد. ویژگی آن داشتن برنامه و اشارات روشن به مسائل زمانه است. می‌توان گفت آرمان‌شهر زمانی وجود دارد که ساختارها و ارزش‌های دولت برای ابد طراحی شده باشند. در جمهوری اوستانا، مبنا بر این است که اگر قانون اساسی دولتی دارای لغزش نباشد، به تباهی کشیده نخواهد شد و این لغزش‌ها عبارت‌اند از تضادها و نابرابری تقسیم زمین‌ها و گردش نوبتی قدرت سیاسی. جمهوری قانونی‌ای که مبتنی بر این دو طرح باشد بی‌نقص است و حکومتی در نهایت کمال خواهد داشت. (روویون، فردریک؛ پیشین، ص ۲۱۵).

کارل مانهایم

کارل مانهایم^{۱۰} معتقد است که نگاهی به تاریخ اتوپیاها نشان می‌دهد، که هیچ حیطه‌ای، از زندگی در جامعه مورد غفلت اتوپیا نبوده است. اتوپیا رویایی است، که مناسبات خانوادگی، مالکیت اشیاء، مصرف کالا، سازماندهی زندگی سیاسی و حیات مذهبی، همگی شکل و شیوه‌ای دیگر، در آن پیدا می‌کنند. با این حساب اتوپیاها منفی، همیشه طرح‌هایی ارائه می‌دهند که هر یک با اتوپیاها مثبت در تضادند. از حیث اقتصادی هم اتوپیاها متنوع‌اند. از شدیدترین اشکال ریاضت‌پیشگی گرفته تا توصیه به فزون‌خواهی و عیاشی را شامل می‌شوند. (ریکور، پل، ۱۳۸۱، احمد بستانی، ص ۱۰۰)

مدینه فاضله فارابی

در اوج درخشش فرهنگ اسلامی، ابونصر فارابی، اندیشه شهر آرمانی خود را در کتاب "اندیشه‌های اهل مدینه فاضله" مطرح ساخت و جامعه‌ای آرمانی بر پایه اندیشه فلسفی و در قالب مفاهیم شریعت اسلام پی‌ریزی کرد.

جامعه فاضله فارابی جمعی از افراد انسانی است که دارای کنش و واکنش اجتماعی و همبستگی اجتماعی هستند. آن‌ها نظام واحدی را تشکیل می‌دهند که دارای سلسله‌مراتب طولی است. رییس جامعه فاضله از نظر او ویژگی‌هایی دارد زیرا هدف رسیدن انسان‌ها به هدف نهایی‌شان یعنی سعادت اخروی است. وظیفه انسان‌ها شناخت سعادت و مقدمات آن و توجه مستمر به آن است. رییس مدینه فاضله باید فیلسوف و

^۷ برای اطلاع بیشتر علاوه بر منبع ارائه شده ببینید: باربور ایان، علم و دین، بهاء‌الدین خرمشاهی

^۸ James Harrington (1611-1677)

^۹ Oceana

^{۱۰} Karl Manheim (1893-1943)

حکیم باشد با مبدا وحی در ارتباط باشد و مهارت و شناخت تجربی کافی داشته باشد. این مدینه فاضله که در آن سعادت ابدی غایت است تنها با اصل عدالت قابل دستیابی است. (منفرد، مهدی، ۱۳۸۶، ص ۹۲) (رجبی، محمود و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۴۵) (سجادی، ۳۵-۵۵) (مینویی، ۲۳-۳۴) (حسینی، ۱۳۸۹، ۷۷-۱۰۴) (مدرسی مرتضی، ۵۱۳-۵۱۶)

۱-۲- توصیفی اجمالی از عصر ظهور

در مدینه فاضله و جامعه مطلوب امام عصر (عج) نیز که به طور کامل از منابع دینی اخذ شده است اهدافی برشمرده شده است که عبارتند از:

۱- هدف اصلی از بعثت انبیاء و انتصاب امامان معصوم (ع) کامل کردن شرایط برای رشد و تکامل آزادانه و آگاهانه انسان‌ها بوده که به وسیله قراردادن وحی، علوم و معارف الهی در دسترس مردم بوده است. در آن وعده حق تحقق می‌یابد.

۲- یکی از بزرگ‌ترین رسالت‌های جهانی امام زمان (عج) در مدینه فاضله، احیای واقعی در پهنه زمین است و از جمله ویژگی‌های حکومت آن حضرت عدالت گسترده به شمار می‌رود. احیاء زمین گفته شده است به اجرای عدالت است.

۳- یکی از اهداف مدینه فاضله امام عصر، رشد عقلی و تکامل علوم است، انسان در بعد عالم فیزیک به علم محدودی دست یافته است که در آن مدینه فاضله به کمال می‌رسد. در بعد متافیزیک نیز که انسان دچار کاستی‌های فراوانی است، در آن دوران به کمال می‌رسد و انسان به در ابعاد گوناگون به جهان شناسی، انسان شناسی و خداشناسی نائل می‌شود.

۴- در مدینه فاضله عصر ظهور تمامی احتیاجات زندگی سعادت‌مندان، از قبیل رفاه اقتصادی و معیشتی، برقراری عدالت اجتماعی و اجرای اصل مساوات، امنیت اجتماعی و فردی در تمام سطوح، رشد تربیت انسانی تأمین می‌گردد..

۵- سعادت ابدی هدف مدینه فاضله دوران ظهور بوده و ابزار اصلی آن عدالت شمرده شده است.

۶- در این مدینه فاضله آنچه از دستورات دینی و قوانین برای رسیدن به کمال است آماده است و شرایط نیز برای آن مهیا شده است. (منفرد، مهدی، ۱۳۸۶، ص ۹۴-۸۶)

علاوه بر این عدالت در این جامعه دارای پنج رکن است که عبارتند از: قانون عدل، رهبر عدالت‌پیشه، کادر عدالت‌گستر، نهادهای عدالت‌گستر و مردم عدالت‌خواه. ابعاد پیشرفت در این جامعه نیز شامل ابعاد اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، علمی- فرهنگی، قضایی، امنیتی و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. (مظفری، ۱۳۸۷، ۵۷)

۱-۳- مدینه فاضله در ادبیات فارسی

مدینه فاضله همچنین در شعر فارسی نیز مطرح شده است. از جمله آنچه را نظامی و جامی در قصه حمله اسکندر مطرح کرده‌اند. از مضمون برخی ابیات نظامی به دست می‌آید که اساس مدینه فاضله او سه مورد است که عبارت است از: تعاون مادی، تساوی حقوق اقتصادی و اجتماعی جامعه، نبود حکومت جبری و امنیت داخلی و خارجی. وی توفیق مدینه فاضله را در پارسایی، تدین و حسن اخلاق می‌داند. احساس می‌شود این

مدینه سرشار از خوشبینی و زنده دلی بی پایان است و مردم این مدینه خرسند، تندرست و نسبتاً آزادند. (آ بالدفرف، کنگره جهانی ایران شناسان، پرتابل جامع علوم انسانی)

در شعر پارسی ظرفیت‌های زیادی برای بدست آوردن مدینه فاضله و نحوه استفاده از آن در (توکل)، بیان شاعران پارسی زبان وجود دارد که خود زمینه پژوهش‌های گسترده است. در این زمینه کارهایی انجام شده که در آن جامعه مطلوب سعدی (شرفی، سایت حوزه هنری استان مرکزی) صائب (جعفری، ۱۳۹۰) و امثال ایشان مطرح شده است. که بیشتر بر برخی جنبه‌های فردی متمرکز است.

۲- مفهوم جامعه آرمانی در اسلام

هر جامعه‌ای بسته به جهانبینی و فرهنگ خود، تعریفی از «سعادت» انسان دارد. و توسعه وقتی توسعه است که به سعادت انسان بیانجامد. مسلم است که میان تعریف سعادت انسان و خود انسان بستگی وثیقی وجود دارد. سعادت انسان بستگی به این دارد که انسان را چه بدانیم. اگر معنای انسان در یک تمدن مبتنی بر مبانی الهی و معنوی با معنای انسان در یک تمدن مادی و دنیوی فرق می‌کند. بی گمان سعادت این دو تمدن متفاوت خواهد بود. تفاوت در جهانبینی و اعتقادات و فرهنگ به تفاوت در اخلاق می‌انجامد و آن به تفاوت در سبگ زندگی می‌انجامد. (حداد عادل، ۱۳۸۹، ۱۱۲)

در اسلام واژه‌های متناسب با توسعه بسیار است ولی آنچه آنرا با مفهوم توسعه امروزی متفاوت می‌کند گستره‌ایست که شامل سرای ابدی نیز می‌شود به عبارت دیگر دوره بلندمدت در این مفاهیم بسیار بلند مدت است و راه مسیر آن بس طولانی است.

در جهان‌بینی اسلامی انسان موجودی است که از جسم و روح ترکیب یافته و افزون بر نیازهای مادی، خواست‌های معنوی نیز دارد؛ بنابراین زندگی وی در میان دیوارهای این دنیا محدود نمی‌شود، بلکه او موجودی است ابدی که مراحل حیاتش متفاوت هستند. اسلام، ذاتاً، روشی برای توسعه و تکامل؛ برنامه‌ای برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان؛ و دستورالعملی برای برآوردن خواسته‌های دنیایی و آخرتی او است، به گونه‌ای که از رهگذر آن، انسانیت بتواند به جایگاه نمونه و سعادت‌مندان حیات بشری ارتقا یابد، همانطور که امام امیرالمؤمنین (ع) برخی افق‌های آن را ترسیم فرموده است:

«ای بندگان خدا! بدانید که تقوای پیشگان هم در این دنیای زودگذر و هم در جهان آینده آخرت سود برند. با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند، در حالی که اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. در دنیا در بهترین مسکن‌ها سکنا گزیدند و از بهترین خوراکی‌ها تناول کردند. از دنیا بهره بردند آن‌سان که اهل ناز و نعمت بهره‌مند شدند؛ و از آن کامیاب گشتند، آن چنان که گردنکشان خودکامه کام گرفتند. آن گاه، با ره‌توشه‌ای که آنان را به مقصد رساند و با تجارتی سودبخش، از این دنیا گذشتند.»

در نگاه اسلام، جهان‌بینی مادی نمی‌تواند به نیازهای واقعی انسان پاسخ گوید، هر چند که صدها شاخص دیگر را به شاخص‌های توسعه بیفزاید؛ این نوع نگرش قادر نیست جامعه انسانی را به جامعه مطلوبش رهنمون شود. بشریت برای دستیابی به توسعه همه جانبه، راهی ندارد جز آن که شیوه خدایی دین را پی‌گیرد که بر پایه شناخت واقعی انسان و درک نیازهای فطری او استوار است. در پرتو این نگرش، ویژگی نخست توسعه اسلامی، فراگیری و شمول آن در دایره همه ابعاد حیات انسان است. دیگر اجزای این بنا نیز بر همین پایه استوارند و بازگشت دیگر ویژگی‌های توسعه اسلامی نیز به همین ویژگی است. به همان اندازه که در ادبیات

اقتصادی معاصر، توسعه دارای مفهومی محدود است و میان دیوارهای نیازهای مادی انسان جای می‌گیرد، در جهان بینی اسلامی، افقی گسترده دارد و با نیازهای فراگیر و نامحدود انسان سازگار است (Zubair، ۱۹۹۵، ۹۲). وبه طور کلی این توسعه با الگوهایی که عدالت را به تأخیر می‌اندازند سازگار نیست. (ابراهیمی سالاری، ۱۳۸۷، ۶۴۲-۶۰۶) (نصراللهی، ۱۳۸۹، ۸۷)

به طور کلی مقایسه‌ی دو دیدگاه ارزیابی تعریف رایج توسعه نشان می‌دهد که این تعریف مبتنی بر نگرش مادی به حیات است. آن چه انسان معاصر از توسعه می‌فهمد، از پیشرفت و رفاه مادی و از مرزهای این دنیا فراتر نمی‌رود. بر پایه این نگرش و جهان بینی، توسعه با همه شاخصه‌هایش، از دایره رفاه مادی در نمی‌گذرد. چند بعدی بودن وجود انسان مانند بعد مادی و جسمانی، بعد معنوی و روحانی، بعد عاطفی و اخلاقی و بعد غریزی و بعد عقلانی از ویژگی‌های دین اسلام است.. (Ghazali، ۱۹۹۴، ۱۸) (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹، ۲۲۳) و تعبیر دیگر انسان بعد مجردی هم دارد که از آن غفلت شده است. (میر مغزی، ۱۳۸۹)

از آنجا که در مفاهیم متناسب با توسعه در اسلام اهداف مادی صرف نیز با اهداف اخروی گره خورده است به طوری که همواره بین منافع این جهانی و آن جهانی چه در سطح فردی و چه در سطح جامعه یک رابطه وجود دارد و این رابطه گاهی به صورت مبادله است و گاه مبادله‌ای در آن وجود ندارد و هر دو هدف در راستای هم قرار دارند.

۲-۱- حیات طیبه:

بر اساس گستره مفهومی این واژه بسیاری از اهداف دنیوی و اخروی در آن بر شمرده شده است. خداوند تبارک تعالی می‌فرماید « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً » (سوره نحل، آیه ۹۷) معیار ایمان و اعمال صالح زاینده این حیات است و دیگر هیچ قید و شرطی نه از نظر سن و سال، نه از نظر نژاد، نه از نظر جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه اجتماعی در کار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۳۹۴) (حصیرچی، نیاوند، ۱۳۹۰، ص ۶۸) نتیجه این عمل صالح و مولود ایمان در این جهان، حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود، و از نابسامانیها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هوا پرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تاریک می‌سازد در امان است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۳۹۴)

حیات طیبه، مفهومش آنچنان وسیع و گسترده است که همه اینها و غیر اینها را در بر می‌گیرد، زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگیها، ظلمها و خیانتها، عداوتها و دشمنیها، اسارتها و ذلتها و انواع نگرانیها و هر گونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱)

این حیات طیبه را خداوند سبحان به مؤمنی اعطا می‌کند که عمل صالح انجام می‌دهد و این یک زندگی جدید است که بقیه مردم در آن با او شریک نیستند. تبدیل زندگی مرسوم نیست بلکه یک زندگی کاملاً متفاوت است که در آن انسان مؤمن قدرت تشخیص حق از باطل پیدا می‌کند و برپایی حق را دنبال می‌کند و باطل را وا می‌نهد. در این شرایط وی به دنبال آنچه باقی است می‌شتابد و آنچه فانی است از زخارف پر فریب دنیا را به کناری می‌گذارد در این شرایط او به عزت الهی عزیز می‌شود و با وسوسه‌های شیطانی و هوا و هوس نفسانی، خود را نمی‌بازد که می‌داند تمام نعمت‌های دنیوی و زرق و برق آن فانی و باطل است. قلب او به پروردگارش تعلق می‌یابد و تنها او را دنبال می‌کند به قرب او عشق می‌ورزد و تنها از غضب او بیمناک است.

بنابر این در وجود خود یک زندگی پاک و جاوید را می‌یابد که تنها پروردگار او زندگی او را تدبیر می‌کند. او تنها زیبایی می‌بیند. این انسان در خودش نوعی ارزش، کمال، توان، عزت، لذت، شادمانی را در می‌یابد که بی حد اندازه است. و او غرق در یک زندگی دائمی و نعمت مستدام است که آنرا پایانی نیست و در آن دردی وجود ندارد. ناخوشی در آن راه ندارد. خیر و سعادت است که با آن شوربختی نیست. با تدبیر در قرآن می‌توان فهمید که این زندگی که به آن حیات طیب گفته شده زندگی خالص است که هیچ پلیدی در آن و در آثار آن راه ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۲ه.ق، ج ۱۲، ۳۴۳-۳۴۱)

۲-۱- جامعه طیبه

با توجه به مفهوم حیات طیبه در جامعه‌ای که بیشتر افراد آن و فضای عمومی آن انجام عمل صالح می‌شود رفتارهای فردی و اجتماعی، فضای ارزشی، هنجاری و نهادی جامعه انجام علم صالح است. هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی در سطح تصمیم‌گیری فضای تفکر عاری از فساد، ریا، قدرت طلبی، منفعت طلبی، رقابت ناسالم و بسیاری از بی بندباریهای فکری و عملی است و به طور خلاصه جو کلی جامعه بر خواستهای نفسانی استوار نیست، افراد دارای شرایطی می‌شوند که مشمول حیات طیبه شوند. اینچنین جامعه‌ای را می‌توان جامعه طیبه نامید. در این جامعه ویژگی‌هایی وجود دارد که به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

۳-۱-۱- تأمین زندگی فردی:

تأمین زندگی فردی می‌تواند تأمین حداقلها و رفاه را شامل شود (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۶، ۶۱) یعنی هر فرد به هر میزان که برای نیازها و آسایش زندگی دنیوی لازم است بهره‌مند می‌شود. تأمین این نیازها دستاورد برنامه‌های اسلام در اجرای احکام الهی و جامعه عمل پوشاندن به تعالیم آسمانی است. از این رو در تعالیم آسمانی تأکید بسیاری بر معاش شده است در این زمینه منقول است که پیامبر اکرم (ص) هر روز پس از نماز صبح (به گونه‌ای که اصحاب صدایشان را می‌شنیدند) در کنار دعا برای اصلاح دین و آخرت، سه مرتبه می‌فرمود «بارخدا یا! دنیای مرا به سامان آور؛ همان را که مایه زندگانی من قرار داده‌ای»^{۱۱}

در این دیدگاه جامعه انسانی اگر فرصت پیاده کردن دین خدا در زمین را به شیوه‌ای درست بیابد و آن را اجرا نماید، شاهد شکوفایی اقتصادی و تأمین نیازها و رفاه خواهد بود.

در این زمینه امام صادق علیه السلام در توصیف جامعه‌ی پس از ظهور ولیعصر (عج) می‌فرماید:

«... و کسی از شما به دنبال فردی می‌گردد که مالش را بستاند و زکاتش را بپذیرد، اما هیچ کس را نمی‌یابد که چنین کند، مردم از رهگذر روزی‌هایی که خداوند با فزون بخشی خویش به ایشان عطا فرموده، بی‌نیاز شده‌اند.»^{۱۲}

اسلام، پدیده رفاه و ثروتمندی جامعه را از نعمت‌های خداوند برای انسان قلمداد می‌کند و مردم را برمی‌انگیزد که این نعمت را پاس دارند و نیز از ایشان می‌خواهد که ثروت را در مسیری که به تکامل آنان بینجامد، به کار گیرند. چنانچه در کلمات امیرالمومنین علیه السلام مکرراً به نعمت بودن رفاه و ثروت اشاره شده است^{۱۳}

^{۱۱}الأمالی للطوسی: ۲۶۵ / ۱۵۸

^{۱۲}الإرشاد: ۳۸۱ / ۲

^{۱۳} بحار الأنوار: ۲۲ / ۵۳ / ۸۳، غرر الحکم: ۹۸۸۳ و ۹۲۸۹

در این نظرگاه، رفاه و ثروت بهترین نعمت و وسیله به همراه و یاور تقوا و خودسازی است و جوانمردی را آشکار می‌سازد؛ کاستی‌ها و عیب‌ها را می‌پوشاند؛ آرامش و ثبات درون را در پی می‌آورد؛ پاداش کسی را که از آن به نیکی و درستی بهره برد، افزون می‌کند.^{۱۴}

در این میان قرآن کریم مردم را به کار و تلاش پیوسته بر می‌انگیزاند تا زمین را آباد کنند و از ایشان می‌خواهد که نعمت‌های برکت‌های زمین را آنطور که برای زندگی ابدی‌شان مفید است، به کار گیرند.^{۱۵} پیامبر اکرم (ص) ائمه (ع) پیشگامان این عرصه بودند. آنها همواره همت‌هاشان صرف تلاش سخت و پیوسته می‌کنند و از پروردگار خویش خاضعانه می‌خواهند که از فقر نجاتشان بخشد و از تنگنای اقتصادی دورشان دارد.

از طرفی حداقل آنچه برای جامعه به معنای عام آن است برخوردار می‌شود تا حد کفایت است. به طور طبیعی رفاه در ضمن پیشرفت و رشد حاصل می‌شود؛ یعنی اگر جامعه‌ای پیشرفت و رشد لازم را فراهم کرده باشد. به دنبال آن رفاه نیز به وجود می‌آید.

از مطالعه آیات و روایات مربوط به بحث بسیار روشن بدست می‌آید که نظام اقتصادی اسلام تنها در صدد رفع نیازهای ضروری بشر نیست و با تأمین آنها کار خداوند را تمام شده نمی‌داند، بلکه در صدد تأمین رفاه بشر است. خداوند نعمتهای بیشماری را در اختیار انسان قرار داده تا از آنها بهره گیرد.

هدف نظام اسلامی در دستیابی به حد کفاف تام: هدف اصلی در نظام اسلامی پرستش خالق هستی است که در مفهوم گسترده آن تکلیف به توسعه زندگی زمینی است. این تلاش باید به تأمین حداقل استاندارد زندگی برای تمامی افراد منجر شود. و این همان جمع بین دنیا و آخرت است. (Ghazali، ۱۹۹۴، ۱۸) در زمینه حد کفاف در تأمین نیازهای مادی منابع دینی بر آن تأکید بسیار و نوعی فضیلت شمرده شده است.^{۱۶} (دادگر، ۱۳۸۷، ۶۷۵)

۳-۱-۲- سکینه و آرامش:

در جامعه طیبه فرد در کنار آسایش زندگی فردی از نظر روحی روانی به اوج می‌رسد و به آرامشی خاص و بی‌بدیل دست می‌یابد. این آرامش گاه بر اساس نداشتن دغدغه‌های مادی و گاه با اتکا به منبع لایزال الهی ایجاد می‌شود. که در بسیاری از آیات قرآن و روایات معصومین بر آن تصریح شده است. در این زمینه به دو جنبه اشاره می‌شود یکی اینکه نبود امکانات مادی موجب برهم ریختن آرامش روحی و روانی^{۱۷} و وجود آن موجب آرامش است و دیگر اینکه اعتقاد و ایمان به حضور خداوند در زندگی و توجه به سرای آخرت نیز در جامعه طیبه به انسان سکینت و آرامشی بی‌مانند می‌دهد.

روایات زیادی در این رابطه وجود دارد که بر این امر تأکید دارد که هر کس نیازمندی‌های زندگی مادی‌اش را برطرف نشود و از پس تأمین دنیای خویش برنیاید، زندگانی معنوی‌اش را نیز از دست می‌دهد و جهان آخرتش نیز تأمین نمی‌گردد. و از این رو ایشان مردم را از بلای بزرگ فقر برحذر می‌داشتند و به ایشان

^{۱۴} الکافی: ۵/۷۱/۱، کنز العمال: ۳/۲۳۸/۶۳۳۳، الکافی: ۵/۷۲/۵

^{۱۵} القصص: ۷۳

^{۱۶} بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۹، «أَفْضَلُ النَّاسِ عَبْدًا أَخَذَ فِي الدُّنْيَا الْكِفَافَ وَ صَاحَبَ فِيهِ الْعِفَافَ»

^{۱۷} همان: ۵/۱۸۶/۷۴، غرر الحکم: ۳۴۲۸ و ۵۸۹۴، بحار الأنوار: ۵۸/۴۷/۷۲، الکافی: ۴/۳۰۷/۲

تأکید می‌کردند که در ورطه عقب‌ماندگی مادی و اقتصادی قوطه ور نشوند. ایشان خود نیز از گرفتاری در فقر به خداوند پناه می‌بردند و از آفریدگار خود برای آن فرار از آن یاری می‌جستند.^{۱۸} از بین بردن فقر که جزء اهداف اصلی در جامعه طیبیه است بسیار از این نگرانی‌ها را برطرف می‌کند. زیرا انسان در جامعه طیبیه به اندازه کفایت از امکانات زندگی برخوردار است. بنابر این زمینه‌ای برای مشکلات روحی طرح شده در بالا برای او وجود ندارد. از طرفی در جامعه طیبیه که بسترهای مادی و معنوی برای رسیدن به مقام رضا در آن برقرار است انسان فرصت کافی برای پرداختن به امور اخروی و کسب درجات معنوی را به دست می‌آورد. از این رو دائماً در حال ذکر است هم کار او عملاً ذکر است و هم زبان او به ذکر مشغول است^{۱۹} بدانید که با یاد خدا دل‌هاتان آرام می‌گیرد. این آرامش همواره آرزوی انسان است که در جامعه طیبیه برای او فراهم می‌شود

۳-۱-۳- آسایش جسمانی:

هرفرد در شرایط جامعه طیبیه به موقعیتی دست می‌یابد که جسم او در آسایش و سلامت کامل قرار دارد به این معنی که تمام ابعاد سلامتی و بهداشتی او تامین شده است. امام صادق (ع): «پنج ویژگی است که اگر کسی یکی از آنها را نداشته باشد، همواره زندگی‌اش کاستی دارد، عقلش زوال می‌پذیرد، و دلش دغدغه دارد؛ اول تندرستی، دوم امنیت، سوم گشایش روزی.»^{۲۰} در ادعیه مأثور و روایات بسیاری بر طلب عافیت به عنوان آسایش جسمانی تأکید شده است و در جامعه طیبیه، وجود این نعمت بسیار با اهمیت تلقی می‌شود.^{۲۱} در رابطه با سلامتی و بهداشت کتب مستقل و نیز فصل‌های مختلفی از بسیاری از کتب روایی نیز بر دستورات بهداشتی تأکید شده است که به دلیل اختصار از ذکر آن خود داری می‌شود. (الحکیمی، محمد رضا، محمد، علی ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۳۰-۱۱۷) (جوادی آملی، ۱۳۹۰،)

۳-۱-۴- عزت اجتماعی

عزت اجتماعی را می‌شود به دو دسته تقسیم کرد بخشی از آن به معنویات بر می‌گردد و پذیرش ولایت حق، مؤمن گرچه در ذات خودش همچون کافر ذلیل است اما به دلیل دخولش در ولایت الهی خداوند به او عزت می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۲ه.ق، ج ۱۲، ۲۸۰). بخش دیگری از عزت اجتماعی یا منزلت اجتماعی به دلیل وجود فقر در جامعه می‌تواند دچار خلل شود. از آنجا که در جامعه طیبیه تأمین حد کفاف محقق می‌شود منزلت و شأن اجتماعی فرد در جامعه آرمانی تأمین می‌شود. از طرفی معیارهای عزت و منزلت اجتماعی گاه به دلیل حاکم بودن ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌های دنیوی و مادی دچار انحراف شود و نوعی عزت کاذب در جامعه تعریف شود. « قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْت سَعَةً مِنَ الْمَالِ »^{۲۲}

^{۱۸} نهج البلاغه: الخطبة ۲۱۵، بحار الأنوار: ۱/۳۷۹/۹۷

^{۱۹} انفال، ۴۵، رعد، ۲۸

^{۲۰} بحار الأنوار: ۵/۱۸۶/۷۴

^{۲۱} مفاتیح الجنان، ۳۷، ۴۶۰

^{۲۲} بقره، ۲۴۷

در این زمینه روایات زیادی نیز وارد شده است. در فرایند تشکیل جامعه طیبه با اصلاح معیارها، عزت واقعی در جامعه باز تعریف می‌شود. که در جامعه اسلامی معیار عزت و منزلت اجتماعی تقوی و علم و ادب و مانند آن معرفی شده است.

۳-۱-۵- استقلال:

از برخی آیات قرآن به طور صریح و برخی به صورت ضمنی بایستگی استقلال اقتصادی فهمیده می‌شود این آیات عبارتند از: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»^{۲۳} خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنین راه سلطه‌ای قرار نداده است. بیشتر فقهای، برای نفی هر گونه سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده و مفاد آن را حکم الزامی می‌دانند و بر اساس آن دانسته‌اند بسیار فتوی داده‌اند معنای برداشت فقها از این آیه این است که مسلمانان باید کاری کنند که کفار بر آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود نامشروع تلقی می‌شود.

۳-۱-۶- آزادی عمومی:

آزادی عمومی در اسلام بسیار مورد توجه و تأکید بوده است. در این زمینه بحث‌های فراوانی وجود دارد و اختلاف نظرهایی نیز در مورد حدود آن ایجاد شده است اما اصل آزادی عمومی مورد توافق اندیشمندان است. آنچه از متون دینی استفاده می‌شود این است که انسان آزاد خلق شده و آزادی او در زندگی یک اصل است^{۲۴} و اوست که آزادانه انتخاب می‌کند که شاکر یا کفور باشد.

آزادی به عنوان یک حق مسلم، طبیعی ترین حق آدمی است. بنابراین، یکی از مهم ترین اهداف وظایف حکومت، ایجاد آزادی های لازم، اما مطلوب و دارای حد و مرز در جامعه می باشد. امام علی(ع) در جامعه آن روز انواع آزادی ها را برای مردم به ارمغان آوردند. ایشان هرگز کسی را به زور به بیعت فرا نخواند، بلکه هرکس در پرتو اندیشه و تفکر، در فضایی باز و به دور از هرگونه خشونت می‌توانست بیعت را بپذیرد. ایشان حتی برای کسانی که با او بیعت نکردند این آزادی را تجویز فرمودند و هرگز حاضر به سلب آزادی آن ها نشدند. حتی گفته اند: وقتی عبدالله بن عمر را نزد او آوردند و بیعت نکرد، امام از او خواست ضامنی بیاورد که دست به اغتشاش نزند. چون ضامن نداشت خود حضرت ضامن وی گردید. (جرج جرداق، ص ۱۲۷)^{۲۵} آن حضرت با خوارج نیز در منتهای درجه آزادی رفتار کردند، زندانشان نکردند و شلاقشان نزدند و حتی سهمیه آنان را از بیت المال قطع نکردند. آن ها همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خود و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه رو می‌شدند.^{۲۶} (مطهری، جاذبه و دافعه امام علی(علیه السلام)، ص ۱۴۳)

^{۲۳} نساء / ۱۴۱

^{۲۴} انسان، ۲ و ۳

^{۲۵} جرج جرداق، علی(علیه السلام) و حقوق بشر، ص ۱۲۷.

^{۲۶} مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه امام علی(علیه السلام)، ص ۱۴۳

امنیت

از جمله اهداف در جامعه طیبه ایجاد امنیت در جامعه است. در اهمیت امنیت در روایات زیادی به این مسأله اشاره شده است.^{۲۷}

ایشان همچنین به مالک اشتر دستور دادند که از خون و خونریزی به شدت بپرهیزد و به عاملان جمع آوری زکات و صدقات نیز سفارش کردند: «با تقوا و احساس مسئولیت در برابر خداوند یگانه و بی همتا حرکت کن؛ مسلمانی را نترسان و بر سرزمین او اگر راضی نباشد پا مگذر؛ بیش از حق خویش از مال او مستان؛ چون به قبيله ای می رسی بر سر آب آنان فرود آی و به خانه هایشان وارد مشو؛ پس آهسته و آرام به سویشان برو تا به میان آنان برسی؛ سلامشان کن و در اظهار محبت کوتاهی مکن؛ پس بگو: ای بندگان خدا! آیا در مال های شما حقی است تا آن را به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، معترض او مشو و اگر کسی گفت: آری، با او برو، بی آنکه او را بترسانی یا بیمش دهی یا بر او سخت گیری یا کار را بر او سخت گردانی.

۳-۱-۸- اخوت

در جامعه طیبه اخوت یک هدف متعالی است و بسیار مورد توجه آیات و روایات است به طوری که می شود ادعا کرد که بسیاری از آیات سوره حجرات مربوط به اخوت و برادری بین مؤمنین است که آمده است: «انما المؤمنون إخوة»^{۲۸} در ادامه این سوره خداوند متعال بر مواردی تأکید کرده است که همه آنها بر حفظ برادری تأکید دارد. از جمله اصلاح بین برادران ایمانی نهی از تمسخر و استهزاء، نهی از عیب جوئی یكدیگر، نهی از خطاب یكدیگر به القاب ناپسند، دستور به دوری جستن از گمان بد، نهی از تجسس در کار یكدیگر، نهی از غیبت کردن یا بدگویی در غیبت برادر مؤمن و در نهایت نهی از فخر فروشی به نسل و قوم و اینکه معیار برتری تقوی است. این ارتباط با تمام روابط اجتماعی دیگر متفاوت است و موجب انسجامی انسانی در جامعه می شود که اگر محقق شود می تواند نهادهای ذیل خود را در جامعه گسترش دهد و در پیشرفت و تکامل جامعه بسیار مؤثر و کارآمد باشد. (سلطانی رانی، ۳۸)، برخی از این نهادها عبارتند از: اهتمام به امور یكدیگر، رفق و مدارا، از خود گذشتگی و ایثار، افزایش اعتماد، رقابت توأم با رفاقت، و ...

در ذیل ایجاد و گسترش برادری جامعه ای یکپارچه شکل می گیرد که می تواند ظرفیتها و استعدادهای افراد آن جامعه هم در هم در مادی و هم در امور معنوی بالا برده و نیز ظرفیت های کل جامعه را در ابعاد مادی و معنوی به کمال خود برساند. در این رابطه در ادبیات اقتصادی و جامعه شناسی بیشتر بر سرمایه اجتماعی و یا اعتماد اجتماعی تأکید می شود. به نظر می رسد. اخوت و برادری می تواند تمام مزیت های سرمایه اجتماعی را نیز برای جامعه فراهم آورد.

۳-۱-۹- تعاون

از دیگر اهداف مهم در جامعه طیبه افزایش روح تعاون و همکاری است. (حکیمی، محمد، ۱۳۷۰، ۲۳۶) همانطور که در آیات و روایات نیز اشاره شده است تعاون همکار و همیاری در امور پسندیده و نیک مورد تأکید است یاری و همکاری هریک از احاد جامعه رحمت الهی را در پی دارد^{۲۹}

^{۲۷} روضه الواعظین، ۴۷۲ و نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱ و نامه های ۵۳ و ۲۵

^{۲۸} سوره حجرات آیه ۱۰

^{۲۹} مائده، ۲ و وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۷

۳-۱-۱۰- علم و آگاهی

اسلام بر فراگیری معلومات و افزایش اطلاعات مسلمین سفارش زیادی کرده است به طوریکه در این زمینه می‌توان کتابهای فراوانی تهیه و تدوین شود.^{۳۰}

۳- خلاصه و نتیجه گیری

با توجه مطالب مطرح شده تفاوت مفهومی بین پیشرفت از دیدگاه اسلام با توسعه به معنای متعارف وجود دارد. توسعه به معنای متعارف بر این جهان به تنهایی و نیز بر بعد مادی انسان تمرکز دارد به عبارت دیگر بهشتی را بر روی زمین برای انسان می‌خواهد و تلاش می‌کند بدون توجه به هدف اصلی خلقت بشر و بعد روحی و مجرد او تکیه کند. در حالی که پیشرفت از نگاه اسلام نه تنها بر دو بعد روحی و مادی انسان تکیه دارد، بلکه سرای دیگر انسان و نیز تاکید دارد.

با توجه با این مسأله هدف توسعه در اسلام متفاوت خواهد بود. در جامعه آرمانی اسلام انسان به بسیار از خواست‌ها و نیازهای خود دست می‌یابد و در کنار آن نیازهای روحی او نیز تأمین می‌گردد. انسان در این دنیا به حیات طیبه دست می‌یابد و همه انسان‌ها در جامعه طیبه زندگی می‌کنند. در این جامعه همه بیشتر افراد ضمن رسیدن به آرزوهای دنیوی از معنویت برخوردار می‌شوند که در آن آرامش کاملی وجود دارد که در هیچ الگوی توسعه‌ای دیگر به آن دست نمی‌یابد.

در آن جامعه همه افراد به نیازهای فردی دست می‌یابند. آرامش و سکونتی بی‌بدیل بدست می‌آورند. همه از سلامت روحی و جسمانی کامل برخوردارند. تمامی افراد جامعه از عزت اجتماعی در خور بهره می‌برند. همه در آزادی عمومی و امنیت کامل به سر می‌برند. یکایک افراد جامعه بدون توجه به ثروت و مکنت و قومیت و رنگ و نژاد با هم برادرانه زندگی می‌کنند. در این جامعه همه افراد در امور مختلف با یکدیگر همکاری می‌کنند و « تعاونوا علی البر والتقوی » و نیز « لا تعاونوا علی الاثم والعدوان » را محقق می‌سازند. در این جامعه علم و آگاهی از منزلت والایی برخوردار است تمامی افراد کسب دانش را برای خود فریضه می‌دانند. این جامعه دارای استقلال کامل است و تصمیم‌گیری در آن بر اساس عقلانیت و شریعت انجام می‌پذیرد.

منابع:

ابراهیمی سالاری، تقی، (۱۳۸۷)، رویکرد مقایسه‌ای ارتباط رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام، در علی اکبر رزمی و محمود هوشمند، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، آرسلان، ۶۴۲-۶۰۶

اسلامی، سیدحسین، (۱۳۸۲)، مرد چهارفصل/گزارش و نقد اتوپای توماس مور، خردنامه همشهری، شماره ۸، ص ۷-۶. اصلیل، حجت‌الله، آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، تهران، نی، ۱۳۷۱، چاپ اول، ص ۱۸
تمیمی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی

جعفری، حمید، کرمی، نبیل، (۱۳۹۰)، انسان آرمانی و جامعه مطلوب در دیوان صائب، رشد، شماره ۱، ۱۵-۱۲
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، مفاتیح الحیاء، قم، مرکز نشر اسراء
جرداق، جرج، علی (ع) و حقوق بشر،

^{۳۰} بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۷ و ج ۷۸، ص ۲۷۷

- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۸۹)، تأملی در معنای الگوی اسلامی ایرانی توسعه، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۱۵-۱۱۱
- الحر العاملی، محمد ابن الحسن، (۱۴۱۴)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ دوم
- حسینی، محمد حسین؛ (۱۳۸۹)، تجلی امامت در مدینه فاضله فارابی، کوثر معارف، ش ۱۴، ۱۰۴-۷۸
- حصیری، امیر؛ نیوند عباس، (۱۳۹۰)، تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی- اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب)، فصلنامه مطالعات بسیج، ش ۵۰، ۸۲-۵۱
- حکیمی، محمد، (۱۳۷۰)، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول
- حکیمی، محمد رضا، محمد علی، (۱۳۶۸)، الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۳-۶
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال، (۱۳۸۶)، شاخص‌های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام، اقتصاد اسلامی، ۲۸، ۸۷-۶۱
- دادگر، یدالله، (۱۳۸۷) شکاف بین توسعه اسلامی و عملکرد کشورهای مسلمان، در علی اکبر رزمی و محمود هوشمند، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، ارسلان، ۶۹۸-۶۴۳
- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۸۶، درباره علم، تهران: انتشارات هرمس، اول
- رجبی، محمود و دیگران، (۱۳۸۵)، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، تهران، سمت، چاپ ششم،
- روویون، فردریک، (۱۳۸۵)، آرمان‌شهر در تاریخ اندیشه غرب، عباس باقری، تهران، نی، ۱۳۸۵، چاپ اول
- ریکور، پل، (۱۳۸۱)، ایدئولوژی و اتوپیا، احمد بستانی، مجله نامه مفید، شماره ۳۲، ص ۱۰۰
- سجادی، سید جعفر، (بی‌تا)، سخنی چند پیرامون مدینه فاضله فارابی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پرتابل
- جامع علوم اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۵۵-۳۵
- سلطانی رنای، سید مهدی، (بی‌تا)، ویژگی‌های ایده‌آل اخلاق اجتماعی و جامعه اخلاقی مطلوب از منظر علامه طباطبایی (ره)، پرتابل جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۴۵-۳۳
- شمشادی، خدیجه، (۱۳۸۵)، اندیشه عدالت و حکومت نخبگان در آرمان‌شهر افلاطون، مجله مشکوه‌النور، شماره ۳۴، ص ۱۰۷.
- شرفی، علی اکبر،
- شهیدی، سید جعفر، (۱۳۷۶)، نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دهم
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۲ ه.ق)، تفسیر المیزان، ج ۱۲، قم المقدسه، منشورات جماعة المدرسین
- الطوسی، ابی جعفر محمد ابن الحسن، (۱۴۱۴)، الأمالی الطوسی، تحقیق القسم الدراسات الاسلامیة، بیروت، مؤسسه البعثة، چاپ اول
- قمی، حاج شیخ عباس، (۱۳۸۴)، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات علامه
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ه.ق)، اصول و فروع کافی، تهران، مکتبه الاسلامیة،
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء
- محمدی منفرد، بهروز، (۱۳۸۷)؛ چیستی اتوپیا، نشریه کلام و عرفان، سال دوم، شماره پنجم، ص ۳۷.
- مدرسی، مرتضی، (بی‌تا)، مدینه فاضله فارابی، مجله وحید، پرتابل جامع علوم اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مصباحی مقدم، غلامرضا، (۱۳۸۹)، گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۲۲۵-۲۲۱

- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، جاذبه و دافعه امام علی (ع)، تهران، انتشارات صدرا
- مظفری، آیت، (۱۳۸۷)، الگوی عدالت و پیشرفت در اسلام، نشریه حکومت اسلامی، سال ۱۳، ش ۳، ۳۶-۵۸
- مفید، محمد ابن نعمان العکبری، (۱۴۱۴)، الإرشاد فی معرفة الحجج للعباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، بیروت، کنگره شیخ مفید
- مکارم شیرازی، ناصر وهمکاران، (۱۳۸۰)، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- منفرد، مهدی، (۱۳۸۶)، بررسی و تطبیق بین مدینه فاضله افلاطون و جامعه دینی الهی امام زمان (عج)، مشرق موعود، شماره ۲، ص ۶۷-۹۴
- میر مغزی، سید حسین، (۱۳۸۹) الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، ۶۱-۷۴
- مینویی، مجتبی، (بی تا)، مدینه فاضله فارابی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پرتابل جامع علوم اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۲۳-۳۴
- نصراللهی، زهرا، (۱۳۸۹) ضرورت تعریف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت موانع و سازوکارها، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۷۵-۹۴
- نیشابوری، محمد ابن الحسن ابن الفتال، (بی تا)، روضه الواعظین، تحقیق سید محمد مهدی خراسانی، منشورات الشریف الرضی، قم
- ولز، اچ جی، (۱۳۸۳)، یوتوپیاها، فخر یاسری، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۵، ص ۱۳۹
- الهندی البرهان فوری، علی المتقی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ ه.ق.)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق صفوة سقا- بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله،
- Chapra M. Umer, (2000) "Is it Necessary To Have Islamic Economics?" Journal Of Socio-Economics 29 pp 21-37
- Ghazali, Abdel Hamid, (۱۹۹۴) " Man Is The Basis Of The Islamic Strategy For Economic Development" Islamic Economics Translation Series No 1, Islamic Development Bank, Islamic Reaserch And Training Institute
- Zubair, Hasan, 1995, Economic Development in Islamic Perspective: Concept, Objectives, and Some Issues, Journal of Islamic Economics, vol 1 no 6, 80-111